

در جستجوی
نوه
نویسنده و تصویرگر: بردیا هاشمی
تهران
15 آبان
1400
11:50
P.M
آدمت قابل اطمینانه؟
ها بله بله
خودم چند بار باهاش
کلی کار کردم
قیافشا عین آمیتابه...
پس قرار ساعت 11
شیراز قرارگاه 7
کدومه کجا؟
پارک
چی دستگیرت شد کارآگاه؟
به کارآگامون
در شیراز
خبر بده!
زززززززینگ
DETECTIVE
ACE HART
الو... شبیه آمیتاب؟
اوکی.
شیراز
16 آبان
ساعت 11 صبح
کلاه
ای کاش می شد
همین بولو برداریم
ببرم.
نکون نخور
پلیس هستم
از دایره ی سواد مخدر
شاپور داری
می زنی بهش
وااای
تق
تق
بوم
تصادف
تصادف
شاپور داغونش کردی
نه خیر
حالا که دارم می بینم
خیلی شبیه به هندیه
با سنش استخونی
نبود.
یا
خدا!!!
!!!
ساکت باباجان
باباجان

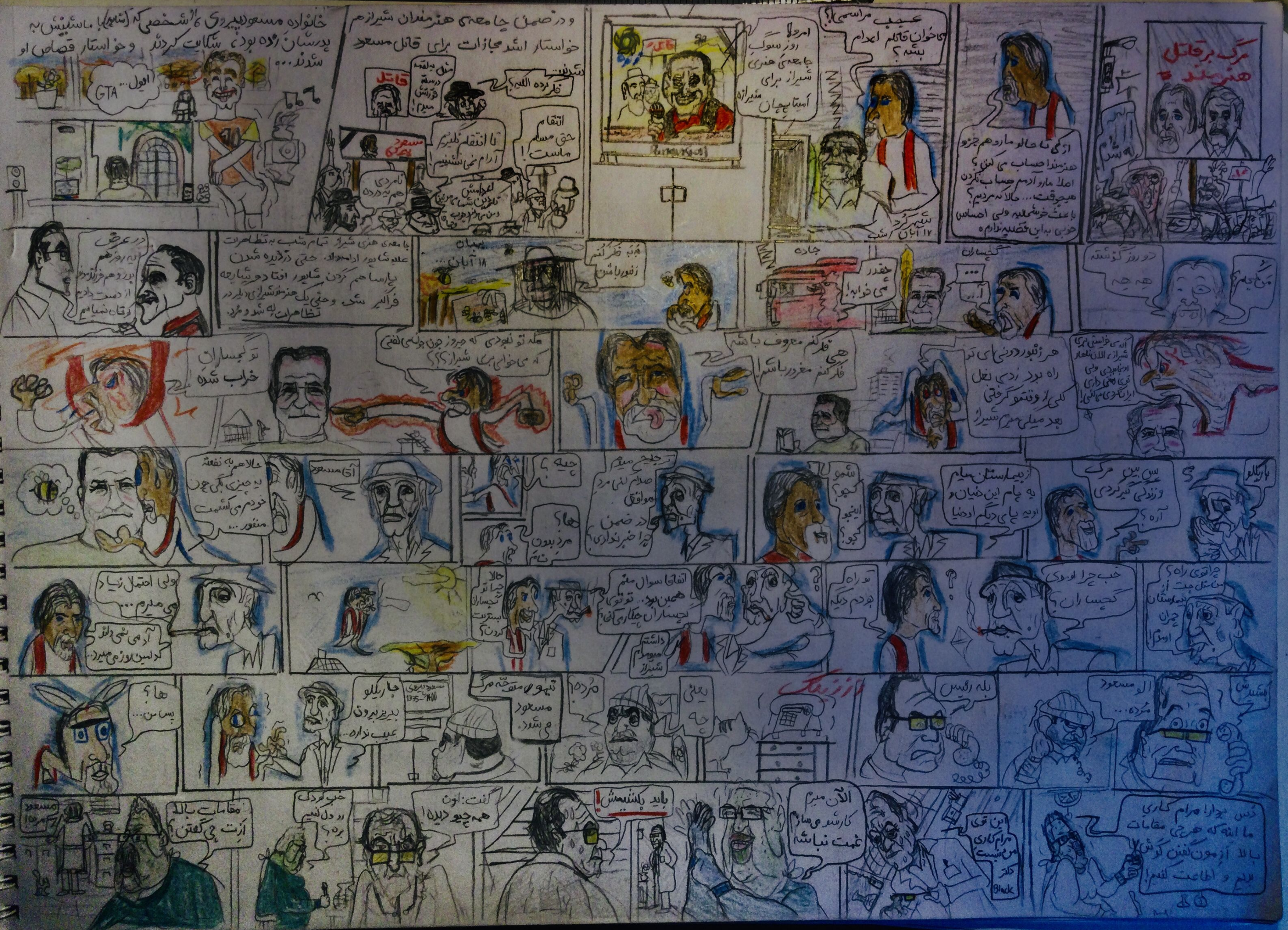

تیمور، شریک مسعود نقشه ای پلیدانه برای مسعود می کشد
در دنیا
یک پدری ازش دربیارم
پیداش نشد؟
در آن لحظه هزاران فکر از سر مسعود گذر کرد، از اینکه دیگر نوه هایش را نمی دید و اینستاگرامش را نداشت ناراحت بود. اما از طرفی این آخر عمری منتظر مرگ بود، حالا می توانست اسطوره هایش را ببیند اما مهمترین چیز، نوه اش بود، باید نوه هایش را می دید.
پارسا و نویان
مرده؟
ببین این نورا بیا درون یعنی مردم حتما تو باید بری بخش هنرمندها
من کجام؟ اینجا کجاست شما کی هستین؟
همان موقع بخش هنری ها
تو باید با ما بیای
آهای بچه!
نوریا نوه‌ی اول
حداقل منو ببرید بخش مرده های ایرونی
بابا من اشتباه کشته شدم! من حتی با نوه‌م خداحافظی نکردم!
قربان یه اشتباهی شده من نباید اینجا باشم
یعنی چه؟ وقتی اینجایی یعنی هستی
نفر بعدی
پروفسور کریم
Dr. Black
اقدس خانم امروز خبری نیست
اقدس خانم
میترا خانم
نه هیچ خبری دکتر
امروز خطری نیست دکتر...
مامور جو
مامور حسن
دنیا 16 آبان
نمی‌خواد بیای طرف من، مادرت منتظره فکر می کرد اولین نفر میری پیش اون بعد تو رفتی پیش فردین؟
ها؟
آقا مسعود!
فردین

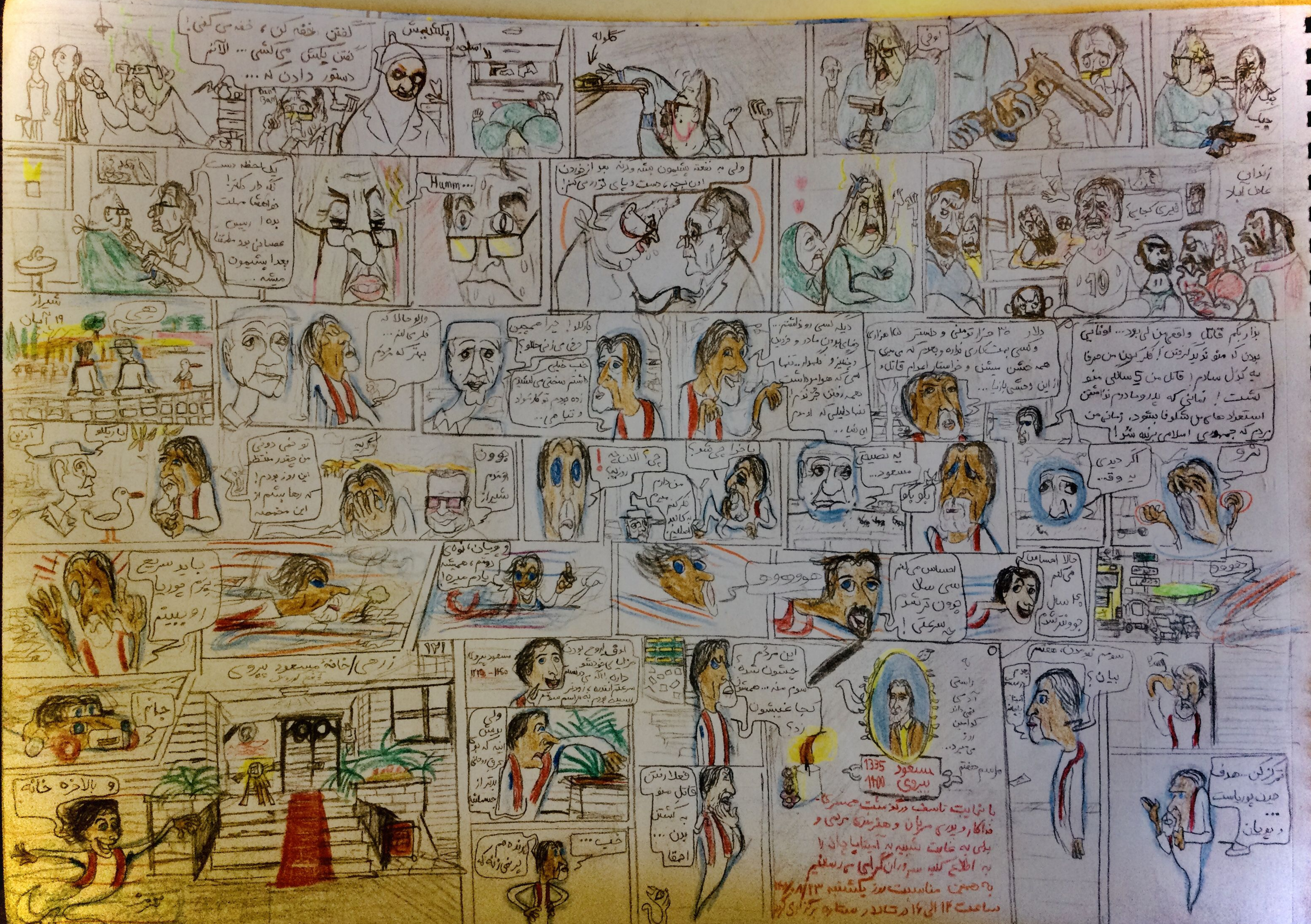


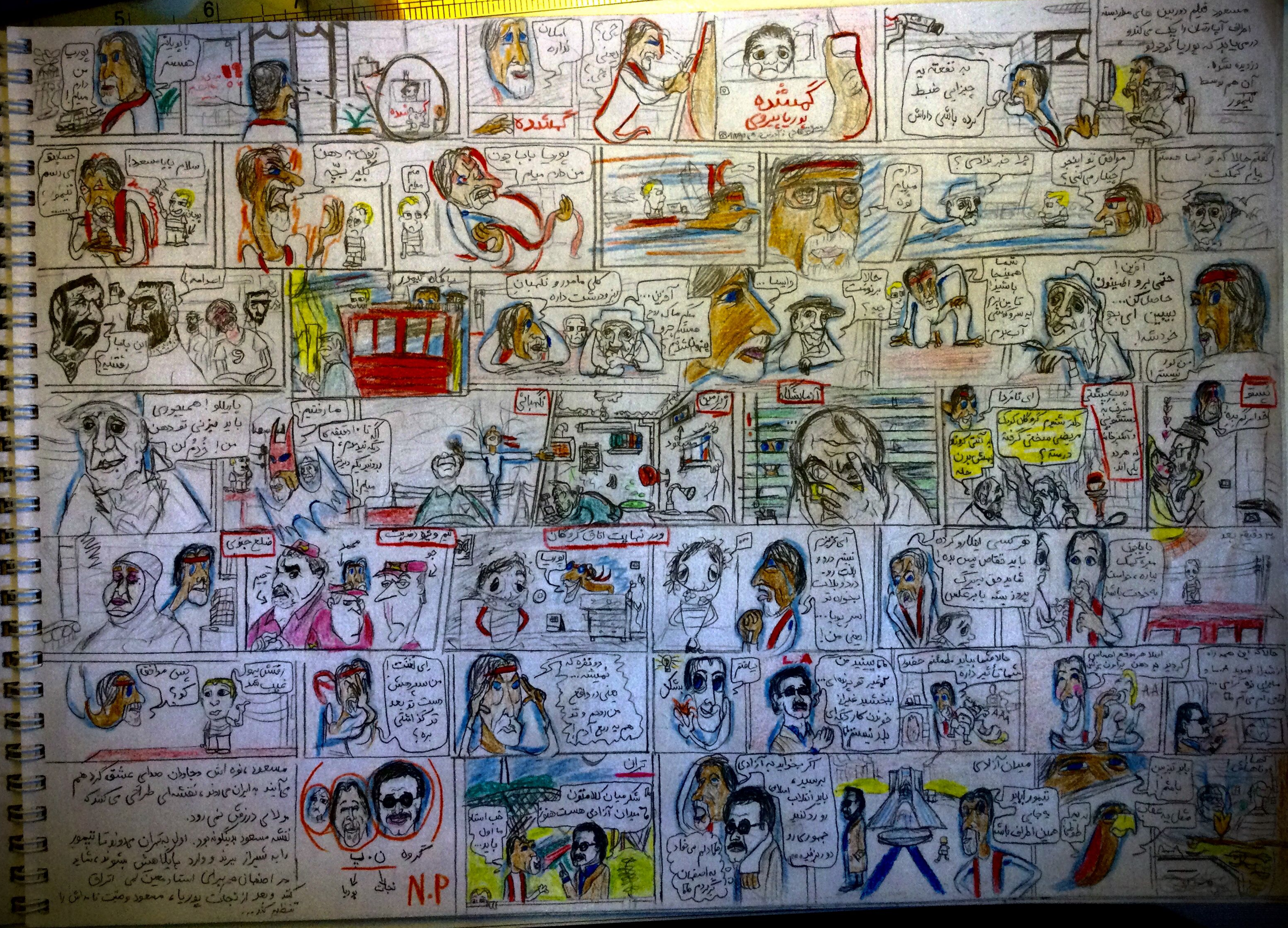
ماماجان من از شما هم بیشتر گذاشتم، به‌خاطر آمیتاباجان؟ آمیتالاجان!
خفه شو ... تو دیگه پسر من نیستی...
ماماجان باز دوباره شروع کردی؟
لا اله الا الله
اما مسعود خودش باور داشت که بازگشتش ناشدنی است،
من نه تنها بچه حاضر نبودم بلکه با تمام وجود براشون جنگیدم و سعی کردم
این چه وضعیه؟؟
Bing Bing
همان موقع مسعود را می‌بینند
HMM
ای کلک
HMM
هممم...
HMM...
پس از تماشای فیلم...
عالی! عالی! بهترین فیلم ... یافتم! یافتم!
مسعود فیلمی دید که در آن مرگان می‌توانستند با کودکان ارتباط برقرار کنند (حداقل برداشت او اینگونه بود) و به فکر افتاد که شاید بتواند نوه‌هایش را ببیند.
Hoo Hoo
Earth



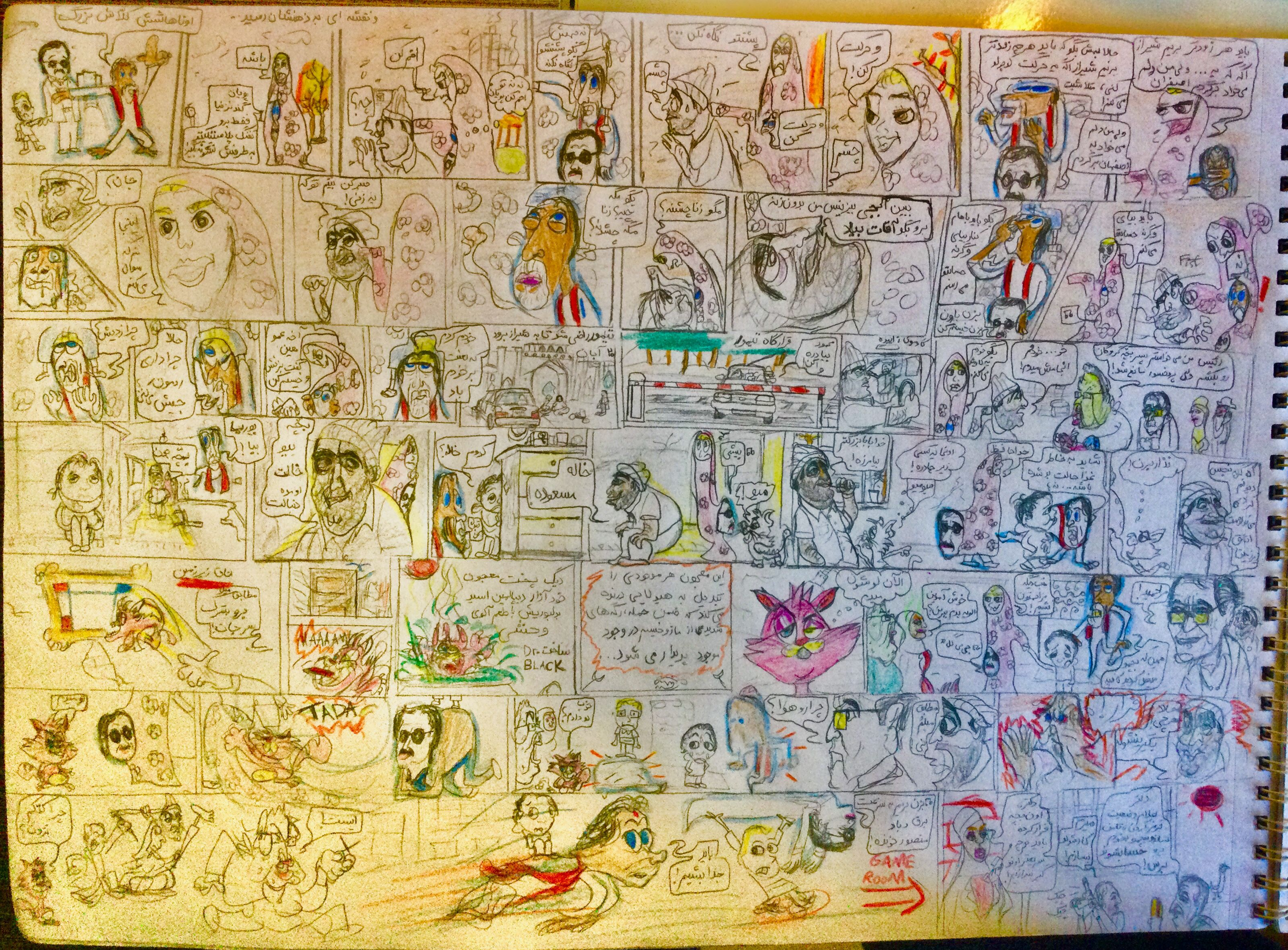
من بایستی اینا از شوحاها خداحافظی کنم! باس یه بدنی رو (جسد) پیدا کنم!
یک جهش بزرگ به سوی زمین
پیش به سوی شیراز
ایران
شیراز
همدان ۱۷ آبان
هرکسی تقاص کار خودشو میده امروز...
روح مسعود کمی در همان حالت ماند و بعد متوجه شد که در شیراز نیست و در همدان است.
خب باید چجوری برم شیراز؟
روح مسعود همراه یک راننده ترانزیت شد تا به شیراز برود... به خیالش خیلی خوش شانس بود که به این زودی راهش را یافت فارغ از اینکه بداند او روح است و به طرفة العینی می‌تواند هرجا خواهد برود و نیازی به سواری ترانزیت نیست
باز شدن قفل
ناهار آماده اس!
میگم چرا خبری نیست؟ دکتر
نمی دونم
و اما مسعود روح همچنان ناآگاه در سفر بود. سفر آن ها به خاطر همسفرش قدری طولانی شده بود...
خرم آباد ۱۷ آبان بعد از ظهر
در همین لحظه دادگاه شیراز
۱۱
ما قصاص می‌خوایم


خانواده مسعود پیروی از شخصی که (شایعا) با ماشینش به پدرشان زده بود، شکایت کردند و خواستار قصاص او شدند...
GTA
و در ضمن جامعه‌ی هنرمندان شیراز هم خواستار اشد مجازات برای قاتل مسعود شدند
قاتل
مسعود پیروی
مثل یه لقمه درسته قورتش میدم!
تا انتقام نگیریم آرام نمی‌نشینیم!
انتقام حق مسلم ماست!
نامردی هم یه درده
امروز روز سوگ جامعه‌ی هنری شیراز برای آمیتاپچان شیرازه
عجیب مراسمی!؟ می‌خوان قاتلم اعدام بشه؟
شهرکرد ۱۲ آبان / شب
اگه تا حالا مارو هم جزو هنرمندا حساب می‌کنن؟ اصلا مارو آدمم حساب نکردن هیچوقت... حالا که مردیم؟ باعث خوشحالیه ولی احساس خوبی به این قضیه ندارم
مرگ بر قاتل هنرمند
در عرض یه روز هم پدر و هم فرزندمونو از دست دادیم کوتاه نمیایم
جامعه‌ی هنری شیراز تمام شب به تظاهرات علیه شاپور ادامه داد. حتی در آتیه شدن پارسا هم کردن شاپور افتاد و شایعه فراگیر شد، و حتی یک هنرمند شیرازی به دلیل در تظاهرات له شد و مرد.
بهبهان ۱۸ آبان...
هه، فکر کنم زنبور باشن
جاده
چقدر می‌خوابه!
گچساران
...
آ...
دو روز گذشته
هه هه
من کجام؟
تو گچساران خراب شده
مگه تو نبودی که دیروز چون جولی گفتی که می‌خوای بری شیراز؟؟
هی فکر کنم معروف باشم
هی فکر کنم مغرور باشم!
هر زنبور دونی‌ای که راه بود زدی بغل کلی از وقتمو گرفتی بعد میگی میرم شیراز
حالا هم به نفعته یه چیزی بگی چون خودم می‌کشمت منفور...
آقا مسعود
چیه؟
ها؟ مرد بودن نام
در ضمن چرا خبر ندادی؟
شمو کجو؟ اینجو کجو؟
از بیمارستان میام یه پام این دنیان و او یه پای دیگم او دنیا
بس بین مرگ و زندگی گیر کردی آره؟
بارکلو
ولی احتمال زیاد می‌میرم...
آدمی نمی‌داند کدامین روز می‌میرد...
حالا چیا تو گچساران بستریت کردن؟
اتفاقا سوال منم همین بود... تو تو گچساران چیکار می‌کنی؟
داشتم میومدم شیراز
تو راه بودم دیگه
خب چرا اومدی گچساران؟
ها؟ بس من...
جاریکلو بذریز بیرون عیب نداره...
مسعود پیروی 1335–1400
مرده؟
یعنی چه
زززینگ
بله رئیس
الو مسعود مرده...
مقامات بالا ازت چی گفتن؟
گفت: اون همه چیو دیده!
باید بکشیمش!
الان میرم کارشو می‌سازم غمت نباشه
این توی مرام کاری من نیست
دکتر Black
دس بردار! مرام کاری ما اینه که هرچی مقامات بالا ازمون گفتن گوش بدیم و اطاعت کنیم!

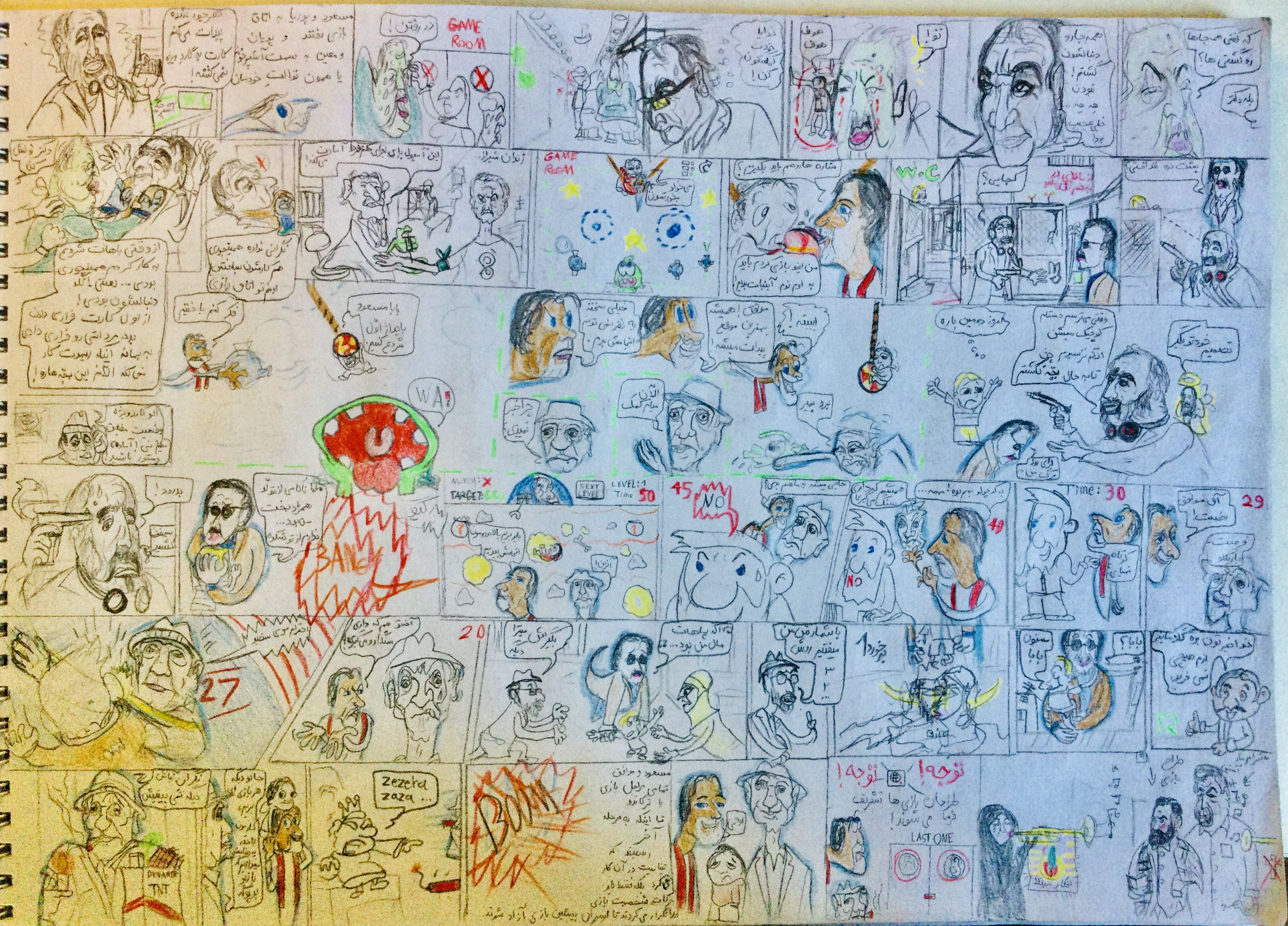

گفتن خفه کن، خفه می کنی!
گفتن بلیس می کشی ... الآنم دستور دادن N ...
گلوله
دیگه کسی رو نداشتم ... دنیای بدون مادر و فرزین
دچنلیز و دلبیدار ... تنها کسی که هوامو داشت
همه رفتن جز تو!
تنها دلیلی که اومدم این دنیا ...
دلار ۳۵ هزار تومنی و دلستر ۱۵ هزاری
و کسی بهتکاری نداره و بعدش که می میری
همه خوش میشن و خواستار اعدام قاتل
از این وحشی بازیا ...
بذار بگم قاتل واقعی من کی بود ... اونایی بودن که منو ندید گرفتن! فکر کردن من صرفا یه کچل ساده ام! قاتل من 5 سالی منو کشت! زمانی که پدر و مادرم نذاشتن استعدادهای من شکوفا بشود. زمانی من مُردم که جمهوری اسلامی برنده شد!
یاخدا چی شو؟
یه نصیحت مسعود...
اگر دیدی یه وق...
نرو
شیراز
۱۹ آبان
مسعود بیروی
1335
۱۴۰۰
مراسم هفتم
با نهایت تاسف درگذشت همسر، فداکار و پدری مهربان و هنرمند مرحوم و یلی به خاطر تشبیه به اسپانیا چاد را به اطلاع کلیه سروران گرامی میرساند
به همین مناسبت روز یکشنبه ۱۴۰۰/۸/۲۳
ساعت ۱۴ الی ۱۶ در تالار ستاره برگزار گردد



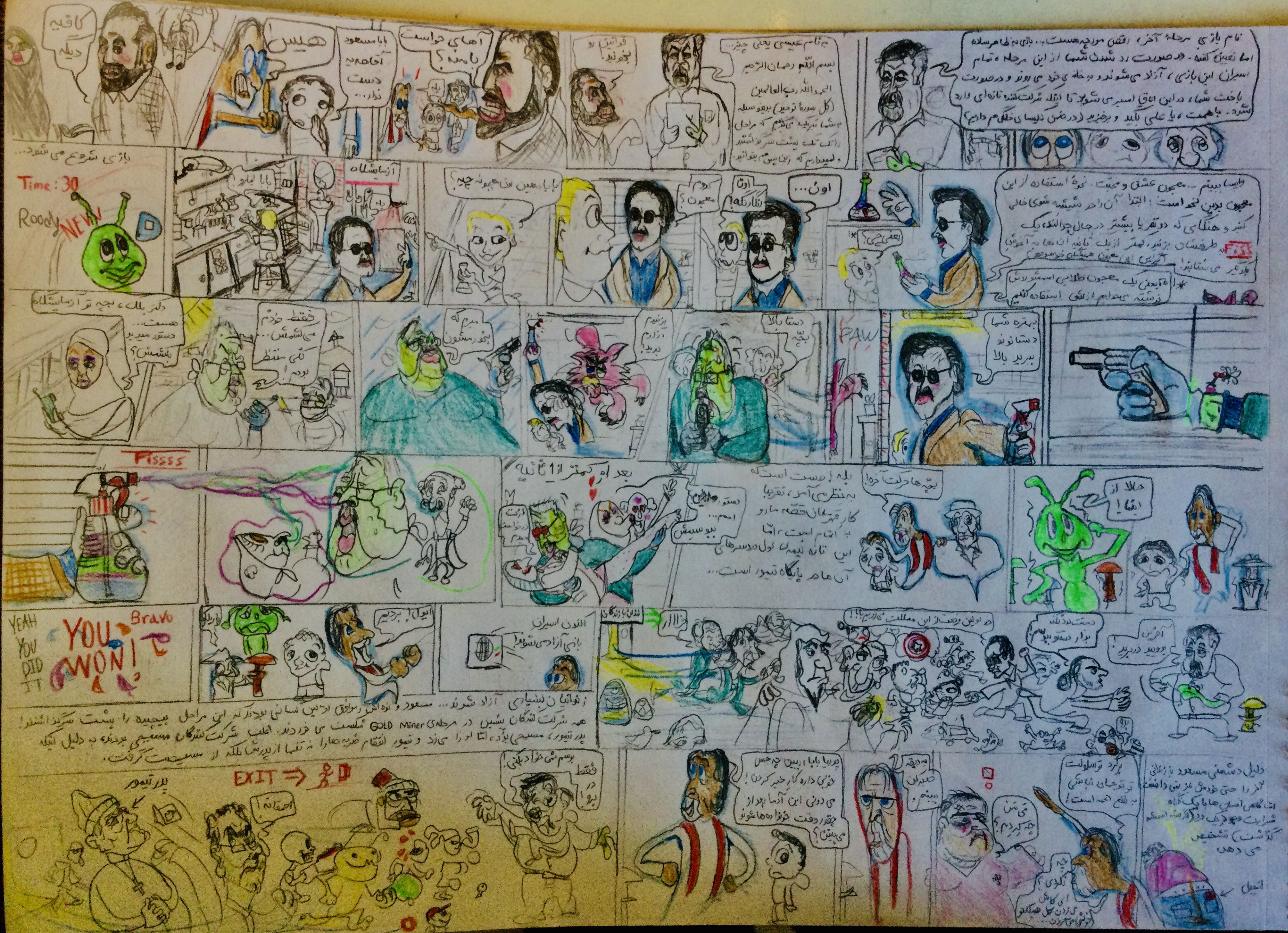
گمشده
گمشده
پوریا
به نفعته یه چیزایی ضبط کرده باشی داداش
مسعود فیلم دوربین های مداربسته اطراف آپارتمان را یک به یک می کاود و درمی یابد که پوریا کوچولو دزدیده شده. آن هم توسط تیمور
سلام بابا مسعود!
پوریا بابا جون من دارم میام
دارم میام
چرا خبر ندادی؟
موافق تو اینجو چیکار می کنی؟
گفتم حالا که تو اینجا هستم بیام کمکت.
اعدامه!
ما رفتیم!
آزمایشگاه
هر کسی اینکارو کرده باید تقاص پس بده!
پس موافق کو؟
تهران
میدان آزادی
مسعود، نوه اش و جاوان صدای عشق کردهم که آینو به ایران می ادند، نقشه ای طراحی می کند که ولای دررفش نمی رود.
نقشه مسعود بدینگونه بود. اول به تهران می‌روند تا تیمور را به شیراز ببرند و وارد پایگاهش بشوند، شاید در اصفهان همراهی استاد معین نیز اتراق کند و بعد از نجات پوریا، مسعود وصیت نامه اش را تنظیم کند...
گروه ن.پ
نجات
پوریا
N.P



و نقشه ای به ذهنشان رسید...
اوناهاشش ششک بزرگ
باشه
اخم کن
چی؟
نه نه تو اخم کن پویان
نه نهیش بگو پشتشو نگاه نکنه
چشم
پشتتو نگاه نکن...
و حرکت کن
و حرکت کن!
چشم
ولی من دلم می خواد اصفهان برگردم
جان؟
صبر کن ببینم تو که یه زنی!
مگو زنا چشنه؟
بیبن آبجی بیزنیس من بیرون زدنه برو بگو آقات بیاد
باید بیای وگرنه
کارگاه تیمور
خاله سعیده
کدوم خاله؟
TADA
Dr.
BLACK
GAME ROOM



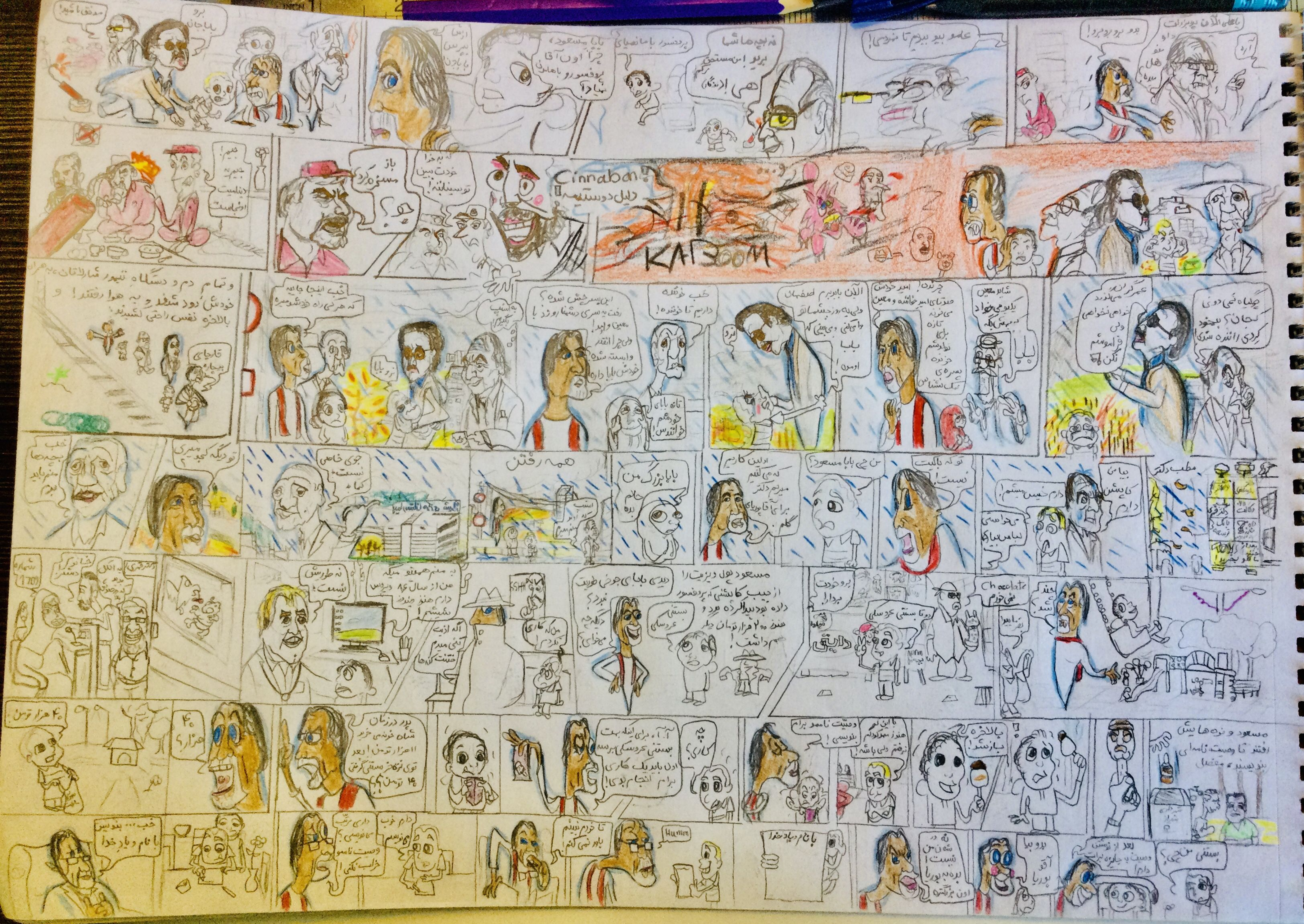
که گفتی همه جاها رو نگشتی ها؟
بله دکتر
همه جا رو دنبالشون گشتم! نبودن هه هه... خیلی عجیب بود!
نه!
هوف هوف
خدایا خودت کمکشون کن!
در رفتن!
GAME ROOM
مسعود و پوریا به اتاق بازی رفتند و پویان و معین به سمت آشپزخونه یا همون توالت خودمان
W.C
کجایی؟
W.C
ستاره ها رو هم باید بگیریم؟
من اینو بازی کردم باید به اون نوم آبنبات بدیم
می خواد بخورتمون
GAME ROOM
زندان شیراز
نگرانی نداره همینجوری هم کارشون ساختس اونم تو اتاق بازی
تصمیم خودتو بگیر
امروز همین باره
البته!
موافقم! همیشه بهترین موقع پیدات میشه!
بابا مسعود باید از اول شروع کنیم!
فکر کنم باختیم
WA!
الان میام کمک
برو بمیر
BANG
NO
NEXT LEVEL
LEVEL:1
Time: 30
BOOM
zezeta zaza...
توجه! توجه!
طراحان بازی ها تشریف فرما می شوند!
LAST ONE



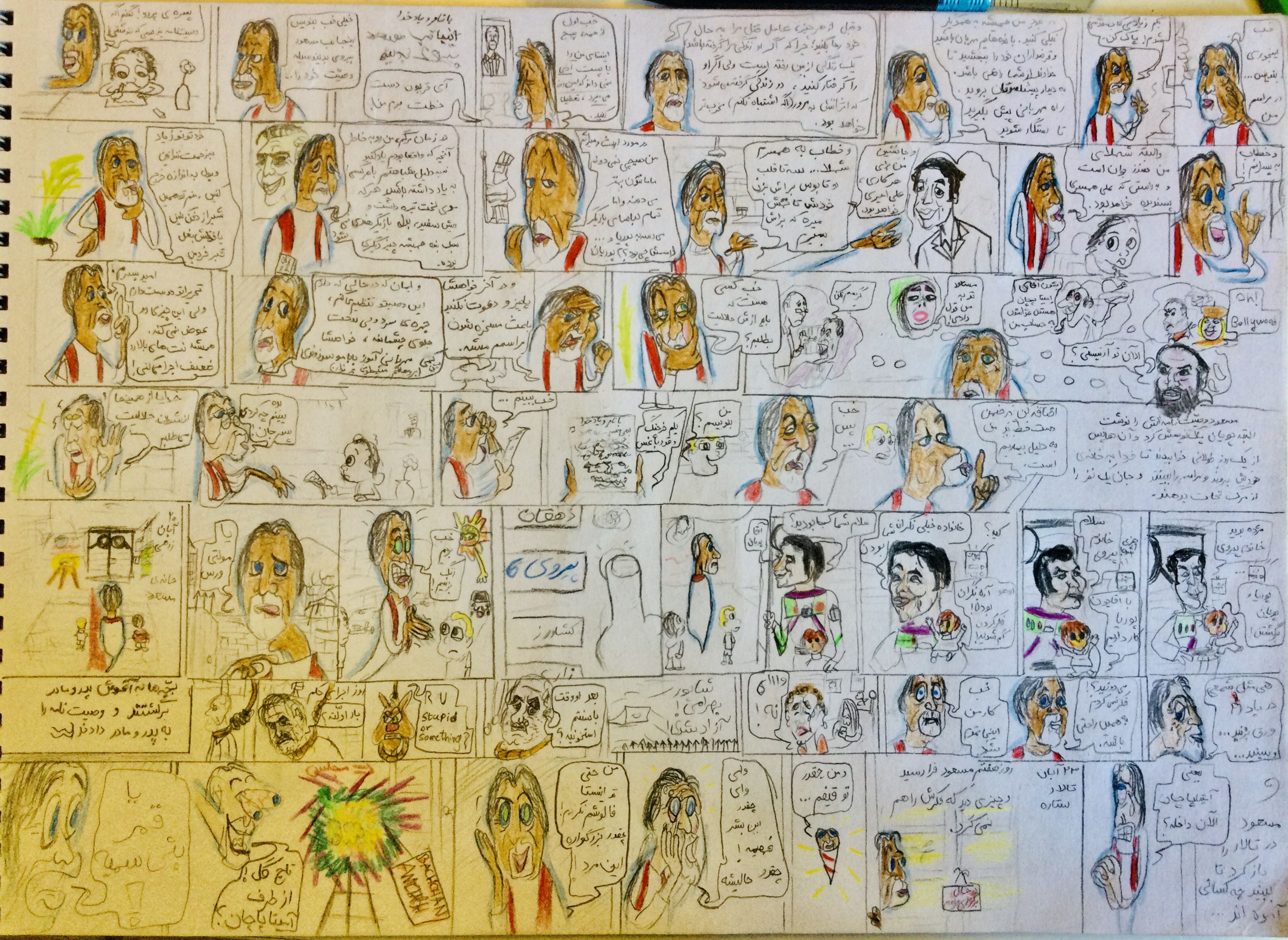
هیس
بسم الله الرحمان الرحیم
الحمدالله رب العالمین
نام بازی مرحله آخر، رقص مورچه هست... بازی رو طراح مسابقه
اما تعیین کنه. در صورت رد شدن شما از این مرحله، تمام
اسیران این بازی، آزاد می‌شوند و به خانه‌ی خود می‌روند و در صورت
باخت شما، در این اتاق اسیر می‌شوید تا اینکه شرکت کننده تازه‌ای وارد
شود. با همت، یا علی بگید و برخیزید
بازی شروع می‌شود...
Time: 30
Roody
NEW
آزمایشگاه
اون...
وایسا ببینم... معجون عشق و محبت. نحوه استفاده از این
معجون بدین نحو است: ابتدا آن را در شیشه شوی خالی
دستا بالا
PAW
Fissss
حالا از اینجا!
YEAH YOU DID IT
YOU WON!
Bravo
EXIT
بلر تیمور
احمقانه!



چی شده؟
وای وای
خدایی؟
امیدوارم مسخره نکرده باشی!
بله! بله!
خب همه رفتن
کمک!
دست نگه دار!
وای وای
قارچ گفت جیغ بریزن سر آدم کچلو!
بچه ها حمله کنید!
قارچ های سمی
هنوز یه دنیا هست
پیس! ... مسعود!



موفق باشید!
برو باباجان
بابا مسعود، چرا اون آقا پروفسور رو با ماشین نمیارد؟
نه بچه ها شما برید این مستحق ترحم
عمو بیو ببریم تا خونه!
برو برو برو برو!
باز مسخره کرد
چوب؟
نه به خدا خودت ببین توسینابنه!
Cinnabon!!
دلیل دوستیه!!
KABOOM
جیم! جیم به دنیاست اونجاست
و تمام دم و دستگاه تیمور شارلاتان به همراه خودش دود شدند و به هوا رفتند! و بالاخره نفس راحتی کشیدند!
خب اینجا جاییه که هرکی راه خودشو میره
خب خوشه داریم تا خونه!
همه رفتن
مطب دکتر
Chocolate
۴۰ هزار تومن
۴۰ هزاره؟
پدر در زمان شاه خونه می خرید ۱۱ هزار تومن ! بعد توی ترکتر بستنی گرفتی ۱۶ تومن؟!
آ آ برای اینکه بهت بستنی عروسکی برسه اول باید یک کاری برام انجام بدی!
چه کاری؟
وصیت نامه برام بنویسی!
بالاخره باز شد!
مسعود و نوه هایش افتتر تا وصیت نامه ای بنویسند مفصل
خب... بنویس با نام و یاد خدا
دارم خوب می نویسم
تا خودم نبینم باور نمی کنم!
Humm
با نام و یاد خدا
برو بیا آقا پوریا
بستنی منم می؟

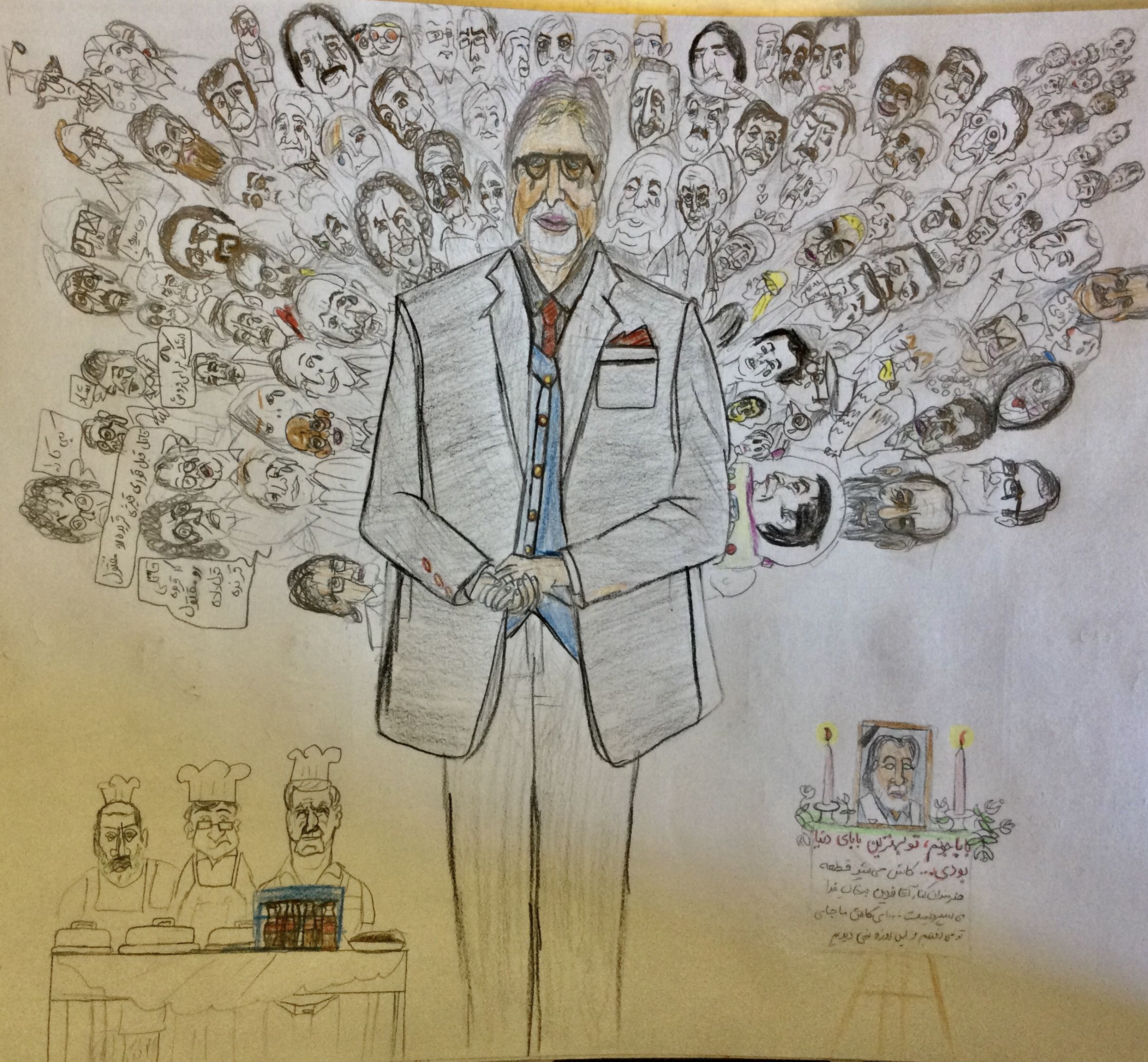


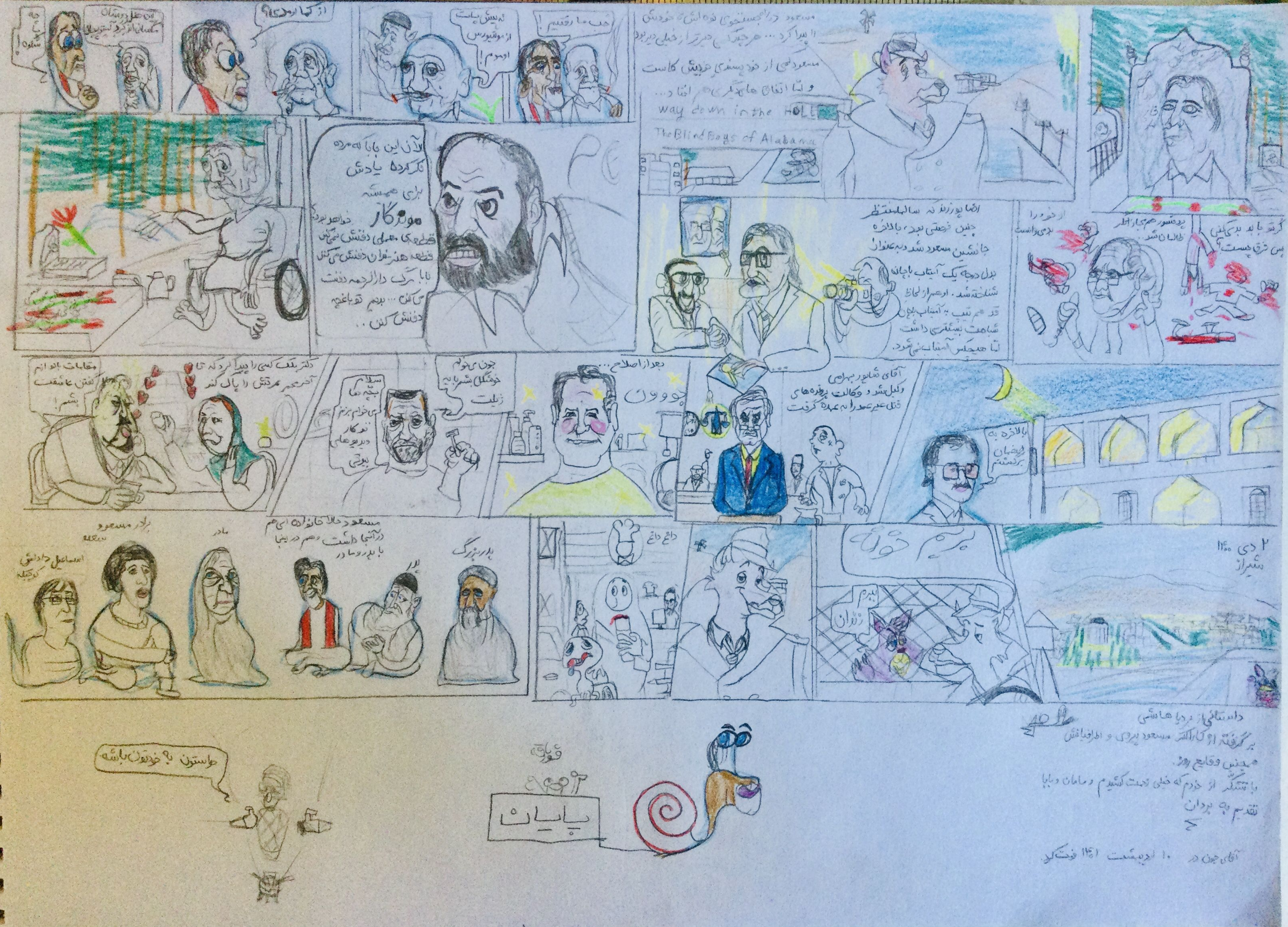
آخی قربون دست خطت برم من
خب ببینم...
الان تو آسیستی؟
Oh! Bollywood
دهقان
بیروی 6
کشاورز
سلام شما کجا بودید؟
خانواده خیلی نگران شما بودن
کیه؟
R U stupid or something?
BACHCHAN ANDRA
تاج گل از طرف آتیلا جان؟
من حتی تو انستا فالوشم نکردم. چقدر بزرگوار این مرد
من چقدر تو قلبم...
۲۳ آبان تالار ستاره
یعنی آتیلا جان الان داخله؟



همه‌ی دوستان و آشنایان
تشریف آورده بودند. مسعود ترکش
راهم نذاشت کنه

همسرش ـ AMITABH BACHCHAN )
جمشید هاشم‌پور ـ خشایار راد ـ محمد مقومی
بهزاد رحیم خانی ـ مجید مشیری ـ لیلا بوشهری
برل جورج کلونی ـ یوسف چیتاری ـ کیانوش گرامی
علی امیری (که بعید نبود) ـ آرش میراحمدی ـ جلیج آقا
دختر کلاه به سر ـ شهرزاد ـ فرانک میرقهاری
شهریار موسوی ـ رزاق گشتاسبی ـ مهدی بحری
ـ سلمز زارکی کردشولی ـ استاد مسعود زارع
ـ سرکار خانم لیلا امیر سلیمانی (توالت بودن)
ـ مهدی فقیه ـ فلور نظری ـ یوسف تیموری
ـ آقا ابراهیم گل ـ سیروس آقا ایازی به همراه پسرشون
ـ عقاب خلیل ـ رهاد آقای ایازی ـ محسن هیروی
ـ محمد بیوری برادر و برادر زاده های مسعود ـ مجید مشاور
ـ اصغر همت ـ عباس وفا ـ چنگیز وثوقی ـ
مسعود پاییز (که متاسفانه نتونست حضور پیدا کنه)
ـ عنایت بخشی ـ جواد یساری ـ امین رضایی مجری
ـ علی باقری ـ شاپور بهرامی و همسر ـ عروس همیش
ـ حسین جمالی (فرزند چوم علمدار) ـ محسن لرستانی
ـ فرزاد عباسی ـ رضا یاری ـ علی زندوکیلی ـ
شیفت شب
حامد همایون ـ حامد فقیهی ـ کیلید پایدار ـ
حسن فلاح زاده و محسن قانع خرد ـ حسین سری
آقا کا قبادی و همسرشون ـ عمو اوشین .
عوامل شلغم شو ـ تپلی ـ آهوی همساده ـ امید مسعودی
آقای همایون پردانرور ـ محسن آزادی +
سید کمال علوی مجری ـ قلندر ابیت و پدرش
انجمن بچه های گنده ـ استاد فروزان و همراهشون
گریمور ـ گمیت ـ جف و جفی ـ ساسان بامستند
تو هر جی دیگر (آقای همیلی و آقای هوشنگی و
رضا پورزند) را در مراسم هفتمش ببینم
تقریبا بخش اعظمی از هنرمندان شیراز ...




از کجا اومدی؟؟
حب ما رفتیم!
نه پیش پات از موقیورس اومدم!
مسعود در جستجوی نوه اش ، خودش را پیدا کرد ... هرچند کمی دیر تر از خیلی دیر بود
مسعود هم از خودپسندی خویش کاست
و اما اتفاق های دیگری هم افتاد ...
way down in the HOLE
The Blind Boys of Alabama
الآن این بابا که مرده فکر کرده یادش برای همیشه موندگار خواهد بود
قطعه ی هنرمندان دفنش می کنن
بابا برگ دارالرحمه دفنت می کنن ... بدیم تو باغچه دفنش کنن ..
اضا پورزند که سالها منتظر چنین فرصتی بود، بالاخره جانشین مسعود شد و به عنوان بدل درجه یک آفتاب شناخته شد. او هم از لحاظ قد هم تیپ به آفتاب شباهت بیشتری داشت.
اما هیچکس آفتاب نمی شود.
او خود را ... می دانست
پروفسور هم بعدا طالبان شد.
دکتر یک کسی را پیدا کرد که تا آخر عمر ... را پاک کند
سلام بچه ها می خوام بزنم تو کار ویدیوهای بیوتی
جون می خوام خوشگل بشم با یه ژیلت
بعد از اصلاح ...
جووون
آقای شاپور بهرامی وکیل شد و وکالت پرونده های قتل غیر عمد را به عهده گرفت
بالاخره به اصفهان برگشتم
برادر مسعود
مادر
مسعود حالا خانواده ای هم (در آنجا) داشت و هم در اینجا با پدر و مادر
پدر
پدربزرگ
داغ داغ
بریم خونه
زندان
۲ دی ۱۴۰۰
شیراز
حواستون به خودتون باشه
پایان
داستانی از دریا هاشمی
برگرفته از کاراکتر مسعود بردی و اطرافیانش
همچنین وقایع روز.
با تشکر از خودم که خیلی زحمت کشیدم و مامان و بابا
تقدیم به بردان
آقای جون در ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۱ فوت کرد.